

حرف‌های تمام نشدنی

● احسان امیری

هنر و زیبایی‌شناسی در تولید آثار برای کودکان استثنایی

اغلب مردم در اوقات فراغتشان کارهایی از این قبیل انجام می‌دهند: داستان می‌خوانند، شعر می‌خوانند، به تئاتر می‌روند، به موسیقی گوش می‌کنند، به نمایشگاه‌های هنر می‌روند، به سیر و سفر می‌پردازند و بناها و منظره‌ها را تماشا می‌کنند. همه این‌ها، فعالیت‌هایی زیباشناسانه یا برنامه‌هایی هنری ماست. مردم به اختیار خویش و به خاطر خود به این فعالیت‌ها می‌پردازند. خواندن یک داستان کمکی به تأمین معیشت من نمی‌کند، رفتن به یک نمایشگاه هنری هیچ یک از دردهای جسمانی مرا شفا نخواهد داد، و دیدار از مکانی زیبا، بر حرارت خانه من نخواهد افزود پس چرا مردم به دنبال هنر و زیبایی هستند؟

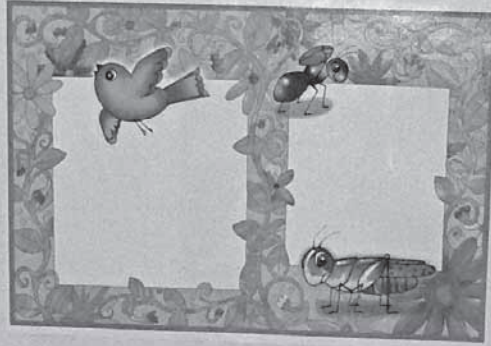
آن شیپر، از کتاب مبانی فلسفه هنر، انتشارات علمی و فرهنگی

شاید همه ما یک خاطره مشترک از دوران کودکی داشته باشیم: ماشین سواری در جاده قالی. دنیایی داشتیم با ماشین‌هایی پلاستیکی یک یا دو ریالی. با سرعت می‌راندیم، ترمز می‌گرفتیم. دور می‌زدیم. از جاده خارج می‌شدیم. مسافر سوار و پیاده می‌کردیم و... قالی‌های دست‌بافت هنرمندان ایرانی، با نقش و نگارهای فراوان و تو در تو و با حاشیه‌هایشان، در یادهای کودکی‌مان «جاده» را برای ما تداعی می‌کردند. گاهی به نقش و نگارهای قالی خیره می‌شدیم و مدت‌ها محو تماشای رنگ‌ها و نقش‌ها. اگر این قالی‌ها نبودند و به جای آن‌ها مکت، سنگ‌فرش اتاق‌ها می‌شد، نمی‌توانستیم این همه بازی کنیم، تخیل داشته باشیم، داستان بسازیم و ده‌ها و ده‌ها امکان دیگری را که نقش و نگار قالی‌ها برایمان فراهم می‌کرد، نداشتیم.

به اعتقاد نگارنده، امروزه فراهم‌سازی آثار، مواد و رسانه‌های گوناگون برای کودکان، حکم همان قالی‌های دست‌بافت برای کودکی‌های ما را دارد. اگر هر گونه اثری که برای کودکان تولید می‌شود، از ملاک‌هایی مانند کودکانگی، رسانایی، سادگی و ایجاز... زاویه دید، نگاه فنی و هنری، تناسب موضوع و تکنیک هنری، توانایی هنرمندانه در طراحی، رنگ‌اندیشی و ترکیب‌بندی مناسب و... برخوردار باشد، ارتباط مؤثر اثر با مخاطب را در پی خواهد داشت. این موضوع در مورد کودکان استثنایی نیز صادق است. گرچه تنوع کودکان استثنایی و طبقه‌بندی آن‌ها در گروه‌های متفاوت تا حدود زیادی ما را در تولید آثار مناسب برای آنان با چالش مواجه می‌کند، ولی به موارد فوق به عنوان اصول کلی می‌توان توجه داشت.

بی‌جهت نیست که شرکت‌های تولیدکننده بازی‌های رایانه‌ای و انواع نرم‌افزارها و حتی فیلم‌هایی که برای کودکان تولید می‌کنند، زمانی به موفقیت‌های ملی و جهانی دست پیدا می‌کنند که از تکنیک‌های برتر و استفاده هنرمندانه از اصول زیبایی‌شناسی در تولید آثارشان بهتر بهره گرفته باشند. با تأمل روی انیمیشن‌هایی که در دنیا طی چند سال اخیر مطرح شده‌اند، می‌توان به این معنا پی برد.

اکنون آن دسته از بازی‌هایی رایانه‌ای بیشتر مورد توجه کودکان قرار می‌گیرند که از محیط گرافیکی بالاتری برخوردار باشند. طبیعی است نسخه‌های جدیدتر در رایانه‌ای‌هایی که کارت گرافیکی بالاتری دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند و بچه‌ها در «اسمبل» کردن رایانه‌ها همیشه دوست دارند که کارت گرافیکی بالاتر داشته باشند. سرچشمه این نیاز همان حس زیبایی‌شناسی و کمال‌جویی مخاطب است که تولیدکننده برای جذب بازار، سعی دارد به این مهم توجه کند. حدود یک سال پیش بنا شد که رایانه‌ای برای امیر و احسان تهیه کنیم. ناچار شدیم رایانه‌ای با این مشخصات بهتر که لاجرم هزینه بیشتری را باید تدارک می‌دیدیم - آماده سازیم. زیرا بازی‌هایی که بچه‌ها می‌خواستند، در رایانه‌هایی، با قابلیت‌هایی بالاتر اجرا می‌شد. پرورش حس زیبایی‌شناسی کودکان استثنایی، ضرورتی تردیدناپذیر در تولید مواد و رسانه‌های گوناگون برای آنان است. این موضوع زمانی که در اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی بودم، از نزدیک حس کردم. در



کتابخانه

آن جا فرصتی پیش آمد تا از نظر گرافیکی کتاب‌های بهتری برای کودکان استثنایی دوره پیش حرفه‌ای و حرفه‌ای آماده کنیم. با نگاهی به وضعیت کتاب‌های درسی دوره ابتدایی کودکان استثنایی می‌توانستیم بفهمیم که در فرایند آماده‌سازی کتاب‌های درسی، اصل «زیبایی‌شناسی» در تولید کتاب برای این بچه‌ها کاملاً نادیده گرفته شده است. در صورتی که فراهم‌سازی محیط بصری پرجاذبه بکودکان استثنایی محرک‌های بسیار خوبی برای آنان است. گرچه آن تجربه با تمام کاستی‌هایش چند قدم رو به جلو بود، ولی ادامه پیدا نکرد....

(ادامه مطلب را در صفحه سوم جلد بخوانید)